



خیلواکی

استقلال

۰۴ جون، ۲۰۲۶

خلیل الله معروفی

طالب - طالبان - طلبه

محک پیروی از "فارسی ایران"

مقاله ای را خواندم زیر عنوان «روسیه با طالبان یک توافقنامه نظامی عقد نمود! هدف چیست و چه اهمیتی برای دو طرف دارد؟»، که ضمن آن جملات آتی نظرم را به خود جلب کرد:

... طالبان دوباره به قدرت بازگشت

... روسیه میخواهد طالبان سرحدات شمالی افغانستان را امن کند.

... و روسیه می خواهد طالبان آن را مهار کند.

... طالبان نیز با داعش خراسان می جنگد.

بر محتوای سیاسی این مقاله تبصره نمیکنم، چون بر فهم و درایت سیاسی و تاریخی نویسنده هیچ شک ندارم، مگر به خود اجازه میدهم بر چار جمله بالا از متن مقاله، از نگاه زبان و دستور زبان مکث نمایم. از تمام این چار جمله یک نکته به شکل جلی و متجلی ثابت میشود؛ و آن اینست، که نویسنده محترم مقاله، کلمه "طالبان" را به حیث یک "کلمه مفرد" به کار میبرد؛ عیناً به شیوه ای، که در "فارسی ایران" تداول عام و تام دارد. از طرف دیگر قسمی، که به شکل بسیار متبازز میبینیم، نویسنده "اصطلاحات خاص فارسی ایران" را هم در مقاله خویش به اصطلاح شیرین عامیانه، "به شاخی باد میکند"!!!

خوانندگان عزیز و بسیار بالاتر از عزیز!

مدتها ست، که این نکته گزنده رنجم میدهد؛ چنان، که در گذشته های دور و دراز، باربار در زمینه سطوری تقدیم کرده ام. نوشته ای را، که اینک از نظر مبارک خود میگذرانید، کاوشی ابتدائی ولی اساسی در "صرف زبان" است؛ چه دری/فارسی و چه عربی. "ابتدائی" بدین حساب، که این بحث واقعاً با دانش ابتدائی زبان سر و کار دارد؛ و "اساسی" بدین معنی، که این کاوش از تهداب دستور زبان سخن میراند. این نوشته مگر به درجه اول متوجه "فارسی ایران" و مردم شریف و با فرهنگ

کشور همسایه غربی ما ست، که هم کلمه "طالبان" و هم کلمه "طلبه" را کاملاً به غلط به حیث "کلمات مفرد" استعمال میکنند. پس مخاطب درجه اول من خوانندگان عزیز ایرانی ست؛ این بحث مگر به حال آن وطنداران عزیز خود ما هم خالی از مفاد هوشدارانه نیست، که دانسته یا ندانسته، با "شدّ و مدّ" از انحرافات و ابتذالات "فارسی ایران" پیروی میکنند!!!

"طالب" کلمه عربی و از نگاه صرفی و دستوری "اسم فاعل" از مصدر "طلب" است؛ پس "طالب" لغتاً به معنای "طلب کننده" و "خواهنده" و "جوینده" است. در اصطلاح مگر "طالب" مخفّف لغت ملائی "طالب العلم" است، که منحصرأً به امور دینی و اسلامی ارتباط میگیرد. بدین حساب "طالب"؛ یعنی "جوینده علوم اسلامی".

کلمه "طالب" را معمولاً به دو صورت جمع میبندند:

– یکی جمع دری/فارسی، که با اضافه کردن علامت جمع "ان" ساخته میشود؛ به حساب ریاضی:

طالب + ان = طالبان

پس "طالبان" جمع ساده و پیاده و "جمع راه راست" دری/فارسی کلمه "طالب" است!!! بدین حساب "طالبان"؛ یعنی "طالبها" و یا "گروه متشکل از طالب".

– و دیگر جمع مکسر عربی بر وزن "فَعْلَه" (به فتح سه حرف اول) – مانند "وَرَثَه و عَمَلَه و حَدَمَه". پس "طلبه" جمع مکسر عربی کلمه "طالب" است.

جهت یاددهانی باید گفت، که در زبان عربی انواع جمع داریم، که به صورت عام به دو کتگوری "جمع سالم" و "جمع غیرسالم" و یا "جمع مکسر" تقسیم میشود؛ و "جمع مکسر" انواع بسیار زیاد دارد، که در اوزان خاص ساخته میشود و اینجا مجال بحث آن نیست!!!

نتیجه ای را، که بلافاصله از سطور بالا میگیریم اینست، که هم "طالبان" و هم "طلبه" کلمات جمع و در معنای "جویندگان" و "خواستاران" و "طلب کنندگان" میباشند. در زبانهای دری و پښتو و زبانها دیگر وطن عزیز ما، افغانستان، از دَرک این نکته هیچ کدام مشکلی نداریم؛ مگر در "فارسی ایران"؟؟؟

مگر در "فارسی ایران" هردو کلمه؛ یعنی هم "طالبان" و هم "طلبه" را به حیث "کلمات مفرد" به کار میبرند. این اشتباه نابخشودنی را بالخاصه آخوندان و آیه الله های دواآتشه و آتش پرچه ایرانی، که به اصطلاح از کون "صرف و نحو" و از کون "ضَرْب، ضَرْبَا، ضَرْبُو" پریده اند، مرتکب میگردند؛ از بهر مثال:

– در "فارسی ایران" برای کلمه "طالبان" همیشه "فعل مفرد" از قبیل "است" و "بود" و "میباشد" و "کرد" و "خواهد" و "میکند" و غیرهم را به کار میبرند!!!

– اگر به آثار و گفتار نهمار "آیه الله مرتضی مطهری" و آیه الله های بی حد و شمار دیگر از قبیل "آیه الله منتظری" و "آیه الله شریعتمداری" و "آیه الله علی خامنه ئی" و همه ملایان و آخوندهای دیگر ایران در کل توجه کنید؛ همه ایشان و بدون استثناء "طلبه" را به حیث "کلمه مفرد" استعمال کرده اند؛ و باید دانست، که پیروانشان هم غیر از تقلید علی العُمیاء و کورکورانه دیگر کاری نداشتند و ندارند و نخواهند داشت؛ مثلاً گویند:

– وقتی طلبه بودم

– یا در دوران طلبگی چنین و چنان کردم

که از سر و صورت این دو مثال بوی "افراد" (مفرد بودن) استشمام میشود. اگر مقامات بالائی "جمهوری اسلامی ایران"، که خود را "مرجع تقلید" عَلم کرده اند، چنین کنند و همیشه میکنند، برای دیگران راه دگری باقی نمی ماند، به جز "پیروی بدون قید و شرط"!!! و عجباً: عجباً، که از سر و ریش کلمه "طالبان" جمع می یارد – و «کور هم می فهمد، که دلدۀ شور است!!!» – مگر ایرانیان بافرهنگ "طالبان" را مدام به حیث "کلمه مفرد" می شمارند؛ و اذعان می کنم، که

«معماً شاخ و دُم ندارد!!!»

استنتاج عاجزانه:

همه به نکوئی میدانیم، که "دری" و "فارسی" عین زبان هستند؛ و اصل هم "دری" ست، مگر با مرور دُهور و قرون تفاوت های بارز و دردناکی در هردو نحوه عین زبان به وجود آمده است. اگر از ایرانیان بپرسید، همه و بلااستثناء اقرار دارند، که مردم افغانستان به گفته خودشان، «دُرست حرف میزنند!!!» با آن هم هیچ یک "ایرانی" را نمیتوان سراغ کرد، که از شیوه درست "دری افغانستان" عملاً؛ یعنی در "گفتار و نوشتار" پیروی بکند و یا اصطلاحات دری افغانستان را به کار بگمارد؛ برعکس:

برعکس به صورت جلی و نمایان می بینیم، که بسا افغانها – بالخاصه "نویسندگان افغان" – از "فارسی ایران" پیروی میکنند. این پیروی وقتی دردناک است، که حتی "اغلاط تبییک و ابتذالات و انحرافات فارسی" را در زبان مکتوب خود به صورت خاص مرتکب میشوند. اگر درجه اقتداء و پیروی نویسندگان افغان از "فارسی ایران" را بخواهیم بدانیم، بهترین محک را از زبان این درویش بشنوید:

"مفرد شمردن" کلمه "طالبان"